

استقبال بود آنرا حذف کردند بعد حذف ساکن با نه همزه وصل کسر اولش آوردند
 امر بیان شد بسکون آخر آخزش را چیزی نگرد زیرا که مبنی است و المبنی ما لا يتغير آخره
 بدخول العوازل عليه اخمر زین شد لیخمر در اصل صحیح بود چون لام امر بر اول فعل مضارع
 درآمد آخزش را جزم کرد و علامت جزمی سقوط حرکت شد التقای ساکنین شد میان
 هر دو را و اول که برای او غام ساکن شده بود و را ثانی که بعد است جزمی ساکن شده
 بعضی را ثانی را حرکت فتح دادند لان الفتحه اخف الحركات بعده اول ساکن ثانی
 متحرک اول را در دوم او غام کردند لیخمر خوانند و بعضی را ثانی را حرکت کسره دادند
 لان الساکن اذا تحرك تحرك بالکسر بعده اول ساکن ثانی متحرک اول را در دوم
 او غام کردند لیخمر خوانند و بعضی ترک او غام کردند لیخمر خوانند لیخمر در اصل صحیح بود
 چون لام امر بر اول فعل مضارع غایب معلوم درآمد آخزش را جزم کرد و علامت جزمی سقوط
 حرکت شد التقای ساکنین شد میان هر دو را و اول که برای او غام ساکن شده
 بود و را ثانی که بعد است جزمی ساکن شد بعضی را ثانی را حرکت فتح دادند لان
 الفتحه اخف الحركات بعده اول ساکن ثانی متحرک اول را در دوم او غام کردند لیخمر
 خوانند و بعضی را ثانی را حرکت کسره دادند لان الساکن اذا تحرك تحرك بالکسر
 بعده اول ساکن ثانی متحرک اول را در دوم او غام کردند لیخمر خوانند و بعضی ترک او غام
 لیخمر خوانند همی قیاس تکلم واحد و تکلم مع غیر است لیخمر در اصل صحیح بود چون
 لام امر بر اول فعل مضارع مجهول درآمد آخزش را جزم کرد و علامت جزمی سقوط حرکت

براسه بنک
 حسن چون
 حرکت داده
 شود حرکت
 داده شود
 کسر این
 قاعده ترکیب

و این معنی است
 حال انوار
 علوم ۹
 علم الایمان

در دوم ادغام کردن سحر شد الامر منہ اِحاراً اِحاراً و اِحاراً اِحاراً
 اِحاراً از سحر بنا کردن تا که علامت استقبال بود آنرا حذف کرد تا بعد حذف
 ساکن باشد همزه وصل یکسر در اولش آوردند امر بیان باشد بسکون آخرش را قف
 کردند علامت وقفی سقوط حرکت شد التقای ساکنین شش میان هر دو را و اول که
 برای ادغام ساکن شده بود و آرشانی که بعد است وقفی ساکن گشت بعضی آرشانی حرکت
 فتح دادند لَانِ الصَّوْءُ اخف الحركات بعده اول ساکن ثانی متحرک اول در دوم ادغام
 کردند اِحاراً خوانند و بعضی را آرشانی را حرکت کسره دادند لَانِ التَّكْوِينِ اَوْ اِحْرَکِ
 حَرِکِ بِالْکَسْرِ بَعْدَهُ اَوَّلِ سَاکِنٍ ثَانِيٍّ مَتَحَرِّکٍ اَوَّلِ اِدْرُومِ اِدْرُومِ اِدْرُومِ
 بترک ادغام اِحاراً خوانند و برین قیاس اند باقی صیغهای نیز **باب بیان**
رباعی مجرور مزید فیه **باب فعله** اَلْکَرَجَةُ وَالْیَدِجُجُ کَرَجٌ اَسْمٌ
 وَجَرَجٌ یُدْرَجُ وَجَرَجَةٌ وَجَرَجٌ اِسْمٌ وَجَرَجٌ اِسْمٌ وَجَرَجٌ اِسْمٌ
 مَدْرَجٌ لَمْ یُدْرَجْ لَمْ یُدْرَجْ لَمْ یُدْرَجْ لَمْ یُدْرَجْ لَمْ یُدْرَجْ لَمْ یُدْرَجْ
 وَجَرَجٌ لَمْ یُدْرَجْ لَمْ یُدْرَجْ لَمْ یُدْرَجْ لَمْ یُدْرَجْ لَمْ یُدْرَجْ لَمْ یُدْرَجْ
 اَلطَّرَفُ مِنْهُ مَدْرَجٌ مَدْرَجَانِ مَدْرَجَاتٌ **باب فعله** اَلتَّجْرِجُ کَرَجٌ اِسْمٌ
 یَتَجَرَّجُ مَدْرَجٌ اِسْمٌ وَتَجْرِجٌ یَتَجَرَّجُ مَدْرَجٌ اِسْمٌ لَمْ یَتَجَرَّجْ
 لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ
 لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ
 لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ لَمْ یَتَجَرَّجْ

در ادغام ساکنین
 در ادغام متحرکین
 در ادغام ساکنین
 در ادغام متحرکین

۳۱

در ادغام ساکنین
 در ادغام متحرکین
 در ادغام ساکنین
 در ادغام متحرکین

و القاب حركات
سكون بين
نعم شاد و فتح
و سكون و فتح
القاب حركات
نعم شاد و فتح
القاب حركات
نعم شاد و فتح

شکلات الحركات
او سكون حركات
نعم شاد و فتح
القاب حركات
نعم شاد و فتح
القاب حركات
نعم شاد و فتح

در فیکه بغیر مای تصخیر بود و آنرا کسره و او نه مقبیه و که شد بعده و او ساکن یا قبل او مکسوران
و او را نیاید که در نه مقبیه شد بعده و او را یک کلمه هم آمدند نخستین حرف از ایشان ساکن بود و او را
یا کرد و یا در او غام کرد و نه مقبیه شد بعده اجتماع ثلث یارات شد و جماع یارات در کلام
نعم شاد و فتح یا در ثلث یارات را قسماً متساویاً حذف کردند مقبیه شد و جماع معلوم
که فعل در اصل مقول بود چون لم یجزمه بر اول فعل مضارع و آمد آخرش بر هم کرد علامت جز
سقوط حرکت شد التقای ساکنین شد میان واو و لام و او را حذف کردند لم نقل شد
لم یقول و اصل یقولان بود چون لم یجزمه بر اول فعل مضارع و آمد آخرش بر هم کرد علامت
در معنی سقوط نون اعرابی شد که یقولان شد الی آخره و در مضارع مجهول التقای ساکنین شد
میان الف و لام الف را حذف کردند لن یقول در اصل یقول بود چون لن یجزمه بر اول فعل
مضارع و آمد آخرش نصب کرد علامت نصبی فتح ظاهر گشت لن یقول شد لم یقول
قولا قولوا قولی قولاً قلن قلن از تقول بنا کردند تا که علامت استقبال بود و آنرا حذف کردند
ما بعد حذف متحرک ما نامر همان باشد بسکون آخر آخرش واقف کردند علامت وقفی
سقوط حرکت شد التقای ساکنین شد میان واو و لام و او را حذف کردند قل شد تقیل
دوم اینست قل در اصل قول بود و ما خود از تقول تا که علامت استقبال بود و آنرا حذف
کردند ما بعد حذف ساکن ما مذ نظر کردند بعین کلمه عین کلمه او مضموم بود و همزه وصل
بضم و اول او در آوردند ما مر همان باشد بسکون آخر آخرش واقف کردند
علامت وقفی سقوط حرکت شد قول شد بعده ضممه بر او و تقیل بود نقل

۲
بجز اینها که در این کتاب مذکور است

کرده بما قبل او و تا القاء ساکنین شد میان او و لام و او را حذف کردند اقل شد
بعده بمرکت قاف از همزه وصل مستغنی شد همزه را نیز حذف کردند اقل شد قولاً از
تقولان بنا کردند تا که علامت استقبال بود و آنرا حذف کردند با بعد حذف متحرک بنا
همان باشد بسکون آخر آخیش و قفا کردند علامت وقفی سقوط نون اعرابی شد
قولاً شد تعلیل و وصل قولاً بود و ما خود از تقولان تا که علامت استقبال بود و آنرا حذف
کردند با بعد حذف ساکنان بنظر کردند بعین کلمه عین کلمه او مضموم بود همزه وصل بضم و او را
و آوردند امر همان باشد بسکون آخر آخیش و قفا کردند علامت وقفی سقوط نون اعرابی
شد قولاً شد بعد ضمیر و او ثقیل بود نقل کرده بما قبل او و تا قولاً شد بعد بمرکت قاف
استغنا از همزه وصل حاصل شد همزه را نیز حذف کردند قولاً شد قولی را از تقولین بنا
تا که علامت استقبال بود و آنرا حذف کردند با بعد حذف متحرک بنا امر همان باشد بسکون
آخر آخیش و قفا کردند علامت وقفی سقوط نون اعرابی شد قولی شد تعلیل و وصل
قولی در اصل قولی بود و ما خود از تقولین تا که علامت استقبال بود و آنرا حذف کردند
با بعد حذف ساکنان بنظر کردند بعین کلمه عین کلمه او مضموم بود همزه وصل بضم و او را
اولش در آوردند امر همان باشد بسکون آخر آخیش و قفا کردند علامت وقفی سقوط
نون اعرابی شد قولی شد بعد ضمیر و او ثقیل بود نقل کرده بما قبل او و تا قولی شد
بعده بمرکت قاف استغنا از همزه وصل حاصل شد همزه را حذف کردند قولی شد قولی را
از قولین بنا کردند تا که علامت استقبال بود و آنرا حذف کردند با بعد حذف متحرک

بجز اینها که در این کتاب مذکور است

۴۹

انفلا انقلوا
انقلی انقلین
قولان ثقلین
بعین و همزه وصل
نون بر همزه وصل
پنداری درازی
اضول البری
والرستخبر
انقلوا انقلوا

انقلوا انقلوا
انقلوا انقلوا
انقلوا انقلوا
انقلوا انقلوا
انقلوا انقلوا

